

در راهروی دادگاه خانواده

شوهر بی مسئولیت

صدیقی- همسر همیشه می خواست با شوخی و مسخره بازی مشکلات را حل کند و اصلاً مسئولیت پذیر نبود. زن جوان که هنوز ۲ سال از زندگی مشترک اش نگذشته است درباره زندگی غبار گرفته اش می گوید: شوهرم بعد از ازدواج آن شخصی نبود که قبلاً نشان داده بود، او در نگاه اول مردی غیرتی و پر تلاش به چشم می آمد. همسر در خانواده سنتی بزرگ شده و حرف، حرف خودش بود و اصلاً به نظر من اهمیت نمی داد و بعد از گذشت مدتی از ازدواج مان بیگار شد و اراده جدی برای برطرف کردن این مشکل نداشت و فقط مشکلات را می خواست با شوخی و مسخره بازی حل کند که این موضوع حرص من را در می آورد.

من از بیکار بودن همسرم زیاد گله نداشتم، از غیرت تشک و خالی که روی من داشت ناراحت بودم. او مدام به من امر و نهی می کرد که اگر جایی برای خرید یا سر کار می روم نباید مردی در آن جا حضور داشته باشد. حرف هایش بی منطق بود و در واقع اگر غیرت داشت نمی گذاشت من دچار مشکل و ناراحت شوم.

هر بار که به همسر اعتراض می کردم از تعصب اش دست نکشد و برای زندگی مان که در حال پیشیده شدن بود فکری کند فقط به من توهین می کرد و می گفت تو عقب مانده ای.

شوهرم خیلی اخلاق بدی داشت و زمانی که بیرون بود و چیزی در خانه لازم داشت بعد از وارد شدن بدون این که سلام کند فقط وسیله مورد نظرش را بر می داشت و می رفت، انگار من را نمی دید. به شدت از رفتارش زجر می کشیدم و فکر می کردم مثل سابق دوستم ندارد و منتظر است از او دست بکشم.

زمانی که دیدم به من بی محلی می کند او را تهدید به جدایی کردم ولی در کمال تعجب به من گفت عرضه این کار را ندارم و ترسویی بیش نیستم.

شوهرم فکر می کرد چون کسی را و جایی را برای رفتن ندارم مجبورم با هر شرایطی در کنارش بمانم. بعد از ۲ سال زندگی مشترک دیگر تحمل ام لیریز شدو به دادگاه خانواده آمدم تا تکلیف ام را با شوهر بی مسئولیت ام روشن کنم و با کمک مشاوران این مرکز تصمیم درستی برای آینده زندگی ام بگیرم و اگر به توافقی نرسیدم گزینه طلاق را در پیش بگیرم.

پاسخ صحیح هر سرگرمی، یک شانس قرعه کشی قرعه کشی و اسامی برندگان، شنبه هر هفته

نظر تان را درباره ساده تر شدن مارپیچ پیامک کنید

مارپیچ ساده تر برای پاسخ دهی قبل از ۱۲ شب

• محمد مهدی رنجبر

سرگرمی «نقش یاب مارپیچ» که روزهای یکشنبه و چهارشنبه در این صفحه منتشر می شود چند شماره ای است که ساده تر از قبل شده و حدود ۳۰ دقیقه از وقت

نقش یاب مارپیچ

یکشنبه ها و چهارشنبه ها

فراغت شمارا برای رسیدن به یک تصویر رنگی جذاب، خواهد گرفت. این تصمیم در باره بقیه سرگرمی های «نقش یاب» هم گرفته شده است. اما دلیل این تصمیم گیری، همان طور که قبلاً اشاره شده بود این است که:

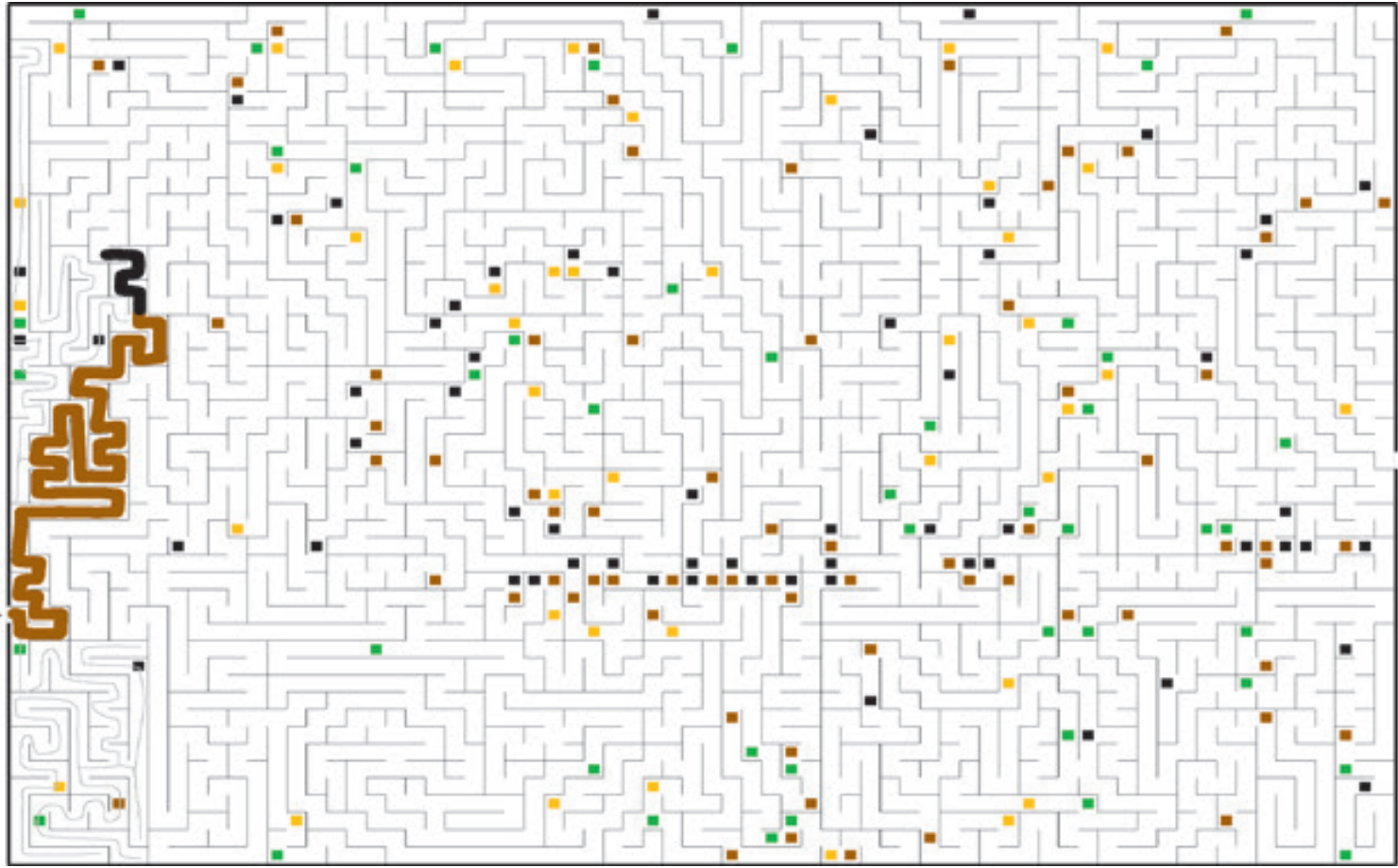
ارتباط با مخاطبان نشان داده است که بسیاری از علاقه مندان سرگرمی روزنامه خراسان، برای حل کردن «نقش یاب ها» بیی که در این صفحه مطرح می شود، وقت صرف می کنند، اما متأسفانه به دلیل دغدغه های زندگی روزمره، اکثریت مخاطبان، اوقات فراغت مستمری طی یک روز ندارند که بتوانند قبل از ساعت ۲۴ (که مهلت پاسخ دهی هر روز برای شرکت در قرعه کشی است) پاسخ کامل نقش یاب ها را به دست بیاورند و تا از اجزای تصویر را

برای امارال کنند. خیلی ها هم که مطمئن هستند قبل از ساعت ۲۴ امکان پاسخ دهی ندارند، با خیال راحت روزنامه را نگه می دارند و در روزهای بعد هر زمان که وقت فراغتی پیدا شد، به حل سرگرمی های «نقش یاب» می پردازند. تلاش کردیم با کم کردن درجه دشواری سرگرمی های «نقش یاب»، به این دو هدف نزدیک تر شویم: (۱) علاقه مندانی که تازه طرفدار این سرگرمی ها شده اند، با نمونه های ساده تر، فرصت تمرین بیشتری داشته باشند! (۲) تعداد بیشتری از علاقه مندان سرگرمی بتوانند در قرعه کشی شرکت کنند و آن شاء... به رسم یادبود، جایزه ای دریافت کنند.

موفق و پیروز باشید و حرفه ای

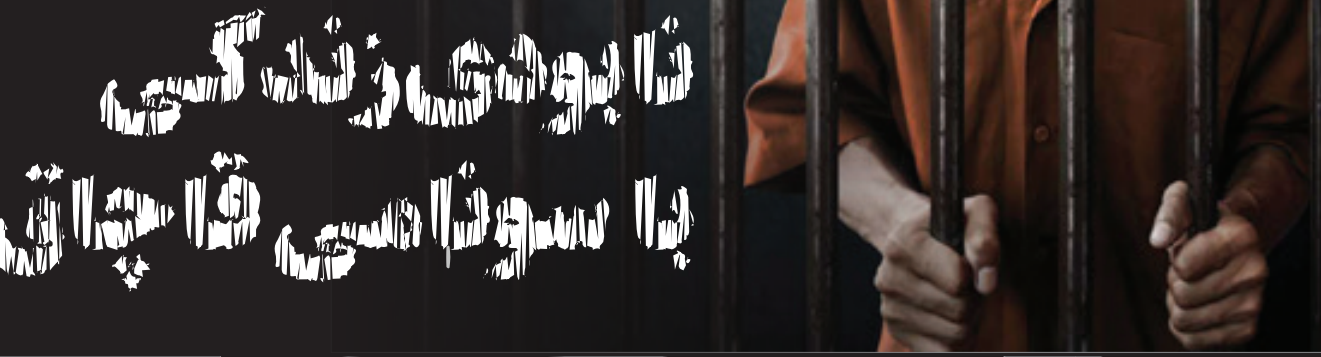
قانون: در این مارپیچ یک تصویر پنهان شده است! برای کشف آن باید «یک خط شکسته مارپیچ» را پیدا کنید که از ورودی مارپیچ وارد شود و از خروجی آن بیرون برود. این خط باید بدون «شاخه» و «دوراهی» باشد. وقتی مسیر صحیح پیدا شد، هر خال رنگی که در مسیر باشد به شما می گوید که ادامه مسیر را تا خال بعدی با چه رنگی بزرنگ کنید تا تصویر آشکار شود.

پیشنهاد می شود که: در هر دوراهی، مسیرهای انحرافی بن بست را با خطوط کمرنگ مشخص کنید تا به اشتباه نیفتید. به خال های رنگی در مسیرهای بن بست بی اعتنا باشید.



برای ارسال پاسخ و شرکت در مسابقه، دو تا از اجزای تصویر را بن معماران در متن پیامک تان نام ببرید.

گفت و گو با زندانی حبس ابد



نسبت فامیلی را کنار گذاشتند و من را هم وارد گود کردند تا شاید با این کار دوران محکومیت شان کم شود. خواب بومد و از چیزی خبر نداشتم. بعد از دستگیری خواهرم و دامادمان هم وارد لیست قاچاق مवाद شدند و برادرم که صاحب اصلی بار بود فرار کرد و چند سال ناپدید شد تا این که در دام قانون افتاد. بدبختی؛ کارگری، کمک یک نهاد حمایتی و یارانه به زور شکم خودش و فرزندان مان توقیف کردند و به جرم حمل و نگهداری مواد حبس ابد خوردم. خواهرم و شوهرش شد و بعد از مدتی چشم از جهان فروبست. بعد از فوت پسرمن چون دیدن آن صحنه هر روز من را یاد آن ماجرای دلخراش می انداخت مغازه ام را تعطیل کردم و با پول دبه پسرم یک خودرو به صورت لیزینگی خریدم. چون گواهی نامه پایه یک نداشتم یک راننده گرفتم و دو نفری مشغول به کار شدیم. بعد از مدتی کار با خودرو اتاق آن را عوض کردیم و به تهران رفتیم و مشغول حمل بار و اثاثیه منزل شدیم.

روزگار به خوبی پیش می رفت و هر چند وقت یک بار برای دیدن خانواده به زادگاه مان بر می گشتم. چون مسیر دور بود و صرفه اقتصادی نداشت که با خودروی خالی این همه را به شهرمان برگردیم برای همین آن را در تهران داخل پارکینگ می گذاشتم. این داستان ادامه داشت تا این که روزی در نبودم گویا راننده با همدستی برادرم مقدار زیادی مواد را جابجاء کرده بودند و بعد از دستگیری شان گفتند چند بار این کار را کرده بودند و من خبر نداشتم. آخرین بار حدود ۲۶۰ کیلوگرم تریاک را با خودرویم قاچاق و در زادگاه مان در خانه خواهرم پنهان کرده بودند.

آخرین بار حدود ۲۶۰ کیلوگرم تریاک را با خودرویم قاچاق و در زادگاه مان در خانه خواهرم پنهان کرده بودند

گفتی از ماجرای مواد خبر نداشتی پس چطور محکوم شدی؟ (مدعی می شود): من اصلاً از جاسازی مواد خبر نداشتم و روز دستگیری در خانه استراحت می کردم چون خودرو به اسمم و شواهد علیه من بود علاوه بر جرمیه نقدی به حبس ابد محکوم شدم. زمانی که برادرم و خواهرم به همراه دامادمان در خانه با مقدار زیادی مواد گیر افتادند

عبرت

کلاه گشاد از نوع هرمی

صدیقی- فردی در پی اعتماد بی جا به دوستانش برای به دست آوردن یک زندگی رایویی در مدت زمان کوتاه، علاوه بر پس اندازش کارش را هم از دست داد. مرد جوان وقتی پیشنهاد دوستانش را برای انجام یک کار با درآمد عالی شنید از کارش استعفا کرد و به دنبال سراب رفت. مال باختة گفت: سال ها بود که در یک شرکت دولتی کار می کردم، هر چند حقوق کم بود اما زندگی ام را می گذراندم. این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی تعدادی از دوستانم با من تماس گرفتند و از یک شغل با درآمد عالی خبر دادند و مرا به چاه انداختند. بعد از شنیدن پیشنهاد دوستانم بدجور در دوراهی گیر کردم. پس از مدتی کلنجار رفتن چون حقوق محل کارم زیاد نبود و به زور زندگی ام می چرخید بدون این که با کسی مشورت کنم از شغل ام استعفا کردم و راهی تهران شدم. دوستانم به من گفتند شرط استخدام در شرکت جدید آورده میلیونی است و من ساده اندیشی تمام پس اندازم را در اختیار شرکت آن ها قرار دادم. چون خیلی به دوستانم اعتماد داشتم زیاد راجع به سابقه و نوع کار شرکت پرس و جو نکردم. پس از سبزی شدن ماه اول و دریافت سود مشارکت که چند برابر حقوق قبلی ام بود سر از پا نمی شناختم و خودم را سرزنش می کردم چرا زودتر به آن ها ملحق نشدم. بعد از مدتی از سود خبری نبود و فقط وعده و وعید می شنیدم. این داستان ادامه پیدا کرد تا این که یک روز ماموران وارد شرکت شدند و همه را دستگیر کردند. بعد از آن بود که متوجه هرمی و غیر قانونی بودن شرکت شدم و فهمیدم کلاه گشادی سرم رفته است.

شوکت

عاقبت میانجی گری

فردی که برای میانجی گری وارد یک درگیری شده بود با گم شدن گوشی اش دچار دردسر شد. فرد میانجی گر زمانی که قصد داشت درگیری بین دو نفر را خاتمه دهد گوشی اش که حاوی اطلاعات و فیلم های خصوصی و خانوادگی بود گم شد و اتفاقات دیگری برایش رقم خورد. فرد شاکی که به خاطر میانجی گری اش به شدت پشیمان شده بود در این باره گفت: روزی دیدم دو نفر داخل روستا با هم درگیر شده اند و برای میانجی گری وارد گود شدم تا به نزاع خاتمه دهم. در این میان، بر تعداد افراد حاضر در درگیری اضافه و ناگهان گوشی ام در شلوغی ناپدید شد. بیشتر از این که به لحاظ مالی نگران باشم دلواپس عکس و فیلم های خانوادگی داخل آن بودم که میاد دست فرد نااهلی بیفتد. بعد از چند روز خبر انتشار عکس های خانوادگی ام را از چند نفر شنیدم که گویا دست به دست در حال چرخیدن است. به یک نفر مشکوک شدم اما او این کار را انکار کرد و یک نوع تهمت به خودش دانست به همین دلیل با کمک چند نفر مرا کتک زد. وقتی دیدم آبرویم در خطر است و قبل از این که عکس و فیلم های خانوادگی ام بیشتر بین مردم پخش شود به دادگاه آمدم تا از دست افرادی که با آن ها درگیر شدم و به آن ها مشکوک هستم شکایت و با کمک قانون از بروز مشکلات بعدی جلوگیری کنم.

سودوکو

هر روز

قانون: از قام ۱ تا ۹ را در خانه های خالی بنویسید طوری که در هر سطر، در هر ستون و در هر مربع ۳ در ۳ هیچ رقمی تکراری نباشد.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | | | ۲ | ۷ | ۳ | ۹ | ۶ | |
| ۷ | | ۶ | ۵ | | | | | |
| | ۳ | ۴ | ۸ | ۷ | | | | |
| | ۴ | | ۸ | | ۶ | ۳ | ۱ | |
| ۵ | ۶ | | ۳ | | | | | |
| | | ۴ | ۵ | ۲ | ۱ | | | ۹ |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |



برای ارسال پاسخ و شرکت در مسابقه، ارقام سطرهای اول و دوم و سوم از هر سودوکوی حل شده را به ترتیب از خانه بالا-چپ تا خانه پایین-راست به صورت یک عدد ۲۷ رقمی (بدون فاصله، اینتر یا کاراکتر دیگری) پیامک کنید.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|--|--|--|
| ۳ | | | | | ۷ | | | |
| | | ۴ | ۸ | | ۵ | | | |
| | ۱ | | ۳ | | ۲ | | | |
| ۹ | ۶ | | ۵ | | ۷ | | | |
| ۷ | | | | | ۱ | | | |
| | ۸ | | ۶ | | ۲ | | | |
| | | | | ۷ | ۹ | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |



حرفه ای ها مدعیان سودوکو درجه دشواری هر سودوکو+ زمان حل شان را پیامک کنند. مثال: متوسط ۰۰:۱۲:۲۰

| | | | | | | | | |
|---|--|---|--|---|---|---|---|--|
| ۲ | | ۷ | | ۴ | ۶ | ۵ | ۹ | |
| | | ۸ | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |

